

چاپ چہارم

عجایب نامہ

[عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات]

محمد ابن محمود ہمدانی

ویرایش متن: جعفر مدرس صادقی



فهرست

پیشگفتار مجموعه: بازخوانی متون	نه
مقدمه‌ی ویراستار	سیزده

متن

۱- جام گیتی‌نمای	۱
۲- صفتِ عرش و لوح و قلم	۱۱
۳- صفتِ اسرافیل و جبرئیل و میکائیل و ملک‌الموت	۱۳
۴- صفتِ ملائکه و روحانیان	۱۶
۵- صفتِ افلاکِ عالیه	۱۹
۶- در طولِ عمرِ افلاک و تفاوتِ اعمار	۲۳
۷- عجایبِ آفتاب	۲۶
۸- عجایبِ ماه	۳۱
۹- عجایبِ ستاره‌ها	۳۵
۱۰- صورتِ بُرجها	۳۹
۱۱- صفتِ آتش	۴۳
۱۲- صفتِ آتش‌پرستان	۴۵
۱۳- صفتِ صاعقه و زعد و برق و قوسِ قزح و ذوزنابه	۴۹
۱۴- عجایبِ هوا	۵۱
۱۵- عجایبِ ابر	۵۴
۱۶- عجایبِ آب	۵۶

۵۸	عجایب چاه‌ها	۱۷
۶۱	عجایب زمین	۱۸
۶۷	عجایب آدم	۱۹
۷۳	عجایب جان	۲۰
۷۸	عجایب دل	۲۱
۸۱	عجایب حس	۲۲
۹۱	در خواص آدمی	۲۳
۹۴	در خواص زنان	۲۴
۹۸	در خواص خصی	۲۵
۱۰۰	در خواص عادیان	۲۶
۱۰۶	نوادیر بنی آدم	۲۷
۱۱۱	در شرف نبی	۲۸
۱۱۴	در احوال مدعیان	۲۹
۱۱۷	در احوال کاهنان	۳۰
۱۲۳	در معجزات انبیا	۳۱
۱۲۵	در کرامات اولیا	۳۲
۱۲۶	در علم کیمیا	۳۳
۱۲۹	در علم طب	۳۴
۱۳۶	در اعتدال	۳۵
۱۴۰	در تقدیر آفریدگار	۳۶
۱۴۶	عجایب خواب	۳۷
۱۴۹	عجایب مرگ	۳۸
۱۵۲	عجایب دنیا	۳۹
۱۵۵	عجایب قیامت	۴۰
۱۵۶	عجایب خسف	۴۱
۱۶۳	عجایب زلزله و طاعون و باریدن سنگ	۴۲
۱۶۹	عجایب صورت	۴۳

فهرست

۱۸۰	عجایب گور	۴۴
۱۹۴	عجایب گنج	۴۵
۲۰۴	عجایب جن	۴۶
۲۱۰	عجایب دیو	۴۷
۲۲۱	عجایب نسناس	۴۸
۲۲۴	عجایب غول	۴۹
۲۲۷	عجایب تُرکان	۵۰
۲۳۱	عجایب هندوان و سیاهان	۵۱
۲۳۴	عجایب چهارپا	۵۲
۲۷۸	عجایب مُرغان	۵۳
۳۰۲	عجایب ماهی و لاک‌پُشت و وَزَغ	۵۴
۳۰۹	عجایب مار و کژدم	۵۵
۳۱۷	عجایب زنبور و عنکبوت و مگس و مورچه	۵۶
۳۲۴	عجایب پشه	۵۷
۳۲۷	عجایب درختان	۵۸
۳۴۷	عجایب دریاها	۵۹
۳۵۸	عجایب نهرها و چشمه‌ها	۶۰
۳۶۶	عجایب کوه‌ها	۶۱
۳۷۷	عجایب سنگها	۶۲
۳۹۳	عجایب صخره‌ها	۶۳
۳۹۶	عجایب مسجدها	۶۴
۴۰۳	عجایب کنیسه‌ها	۶۵
۴۰۷	عجایب اقالیم و بلاد	۶۶

فهرست‌ها

۴۹۵	واژه‌نامه
۵۳۵	نامنامه

بازخوانی متون

از رویدادهای فرخنده‌ی نشر کتاب در چند دهه‌ی اخیر، به چاپ رسیدن نسخه‌های معتبری از متون کهن فارسی به همت اساتید فرهیخته‌ی اهل فن بود. این اساتید با ارادت و دلبستگی جانانه‌ای که به متون و به زبان فارسی داشتند و با تکیه بر روش‌های علمی که از پژوهشگران غربی آموخته بودند، نسخه‌های خطی را از گنج دولابچه‌ها و قفسه‌های متروک و تار عنکبوت بسته‌ی کتابخانه‌ها بیرون کشیدند و با مقایسه‌ی نسخه‌ها و ثبت و ضبط تفاوت‌ها و تبدیل نسخه‌های خطی به متون حروفچینی شده و چاپ شده، زمینه‌ی مناسبی برای مطالعه و تحقیق معاصرین فراهم آوردند. پیشکسوتانی نظیر مرحوم محمدتقی بهار و مرحوم مجتبا مینوی، با معرفی متون و نسخه‌های پراکنده در کتابخانه‌های ایران و خارج از کشور، مقدمات لازم برای شروع یک نهضت ادبی را تدارک دیدند و هر دو شخصاً با تصحیح چند متن کهن، نمونه‌های خوبی از تصحیح علمی ارائه دادند و راه را برای ادامه‌ی کار هموار کردند — چنان که در طول این سه دهه‌ی اخیر، شاهد تلاش‌های ارزنده‌ی متعددی در زمینه‌ی تصحیح متن بوده‌ایم و بسیاری از برجسته‌ترین میراث‌های زبان فارسی، سرانجام، پس از قرن‌ها، از دل نسخه‌های خطی محفوظ در کتابخانه‌ها و موزه‌ها درآمدند و به صورتی آبرومند به چاپ رسیدند و در دسترس مشتاقان قرار گرفتند.

در این چاپهای منقح، معمولاً، یکی از معتبرترین نسخه‌ها (در بسیاری موارد، قدیم‌ترین نسخه) اساس کار است که به صورت متن کتاب چاپ می‌شود و موارد اختلاف این نسخه را با نسخه‌های دیگر موجود در پاورقی تذکر می‌دهند. و اگر فقط یک نسخه از متن موجود باشد، عیناً چاپ می‌شود و مصحح در مواردی که خطا یا نکته‌ای به نظرش می‌رسد، در پاورقی توضیح می‌دهد، یا نمی‌دهد. به هر حال، این چاپهای منقح قبل از هر چیز، زمینه‌ای برای تحقیق و تتبع پژوهشگران و زبان‌شناسان و کارشناسان حرفه‌ی بی‌ست و ابهت آنها خوانندگان غیرحرفه‌ی بی‌رامی ترسانند. تلاش‌های

ارزنده‌ای تاکنون برای آشنایی خوانندگان غیر حرفه‌یی و دانشجویان با متون کهن انجام گرفته: برگزیده‌هایی از متون به صورتی جذاب و گیرا، با توضیحات فراوان و با مقدمه‌ها و مؤخره‌هایی مفصل‌تر از خود متن منتشر شده و می‌شود. این برگزیده‌ها با همی خوبی‌ها و جذابیتی که دارند، وابسته‌ها و توابعِ بلافصلِ چاپهای اصلی متونند و آنها را نمی‌توان کارهای تازه و مستقلی به حساب آورد. در صورت خوشبینی مفرط، می‌توانیم امیدوار باشیم که یک خواننده‌ی غیرحرفه‌یی و متفطن یا دانشجویی که حوصله‌ی خواندن متن اصلی را ندارد، از این طریق شاید به خود متن علاقه‌مند شود و روزی به سراغ چاپ اصلی آن متن برود. فراهم‌آوردندگان این گونه برگزیده‌ها خوب می‌دانند که یک خواننده‌ی معمولی — حتا کتبخوان علاقه‌مندی که قفسه‌های کتابخانه‌اش پر از انواع و اقسام رمان‌های معاصر و ترجمه‌های رمان‌های خارجی و سفرنامه‌ها و مقالات تاریخی و اجتماعی است — به ندرت حوصله و همت آن را دارد که حتا یکی از بهترین چاپهای متون کهن را به دقت و از ابتدا تا انتها بخواند. به این دلیل، گلچینی از جذاب‌ترین تکه‌های متن ترتیب می‌دهند و با توضیحات و تفصیلات کافی در اختیار او می‌گذارند تا شاید زمینه‌ای برای مطالعات بعدی او ایجاد کرده باشند. اما بسیاری از این گونه خوانندگان در همان پله‌ی اول درجا می‌زنند و همان آشنایی سطحی و مقدماتی را با متن اصلی کافی می‌دانند و هرگز به سراغ متن اصلی نمی‌روند. این برگزیده‌های آموزشی با وجود همی حسنهایی که دارند، این عیب را هم دارند که در ذهن خواننده‌های خود این تصوّر نادرست را ایجاد کنند که آن بهره‌ای را که باید از متن اصلی بگیرند گرفته‌اند و «همین قدر» برای «خواننده‌ی امروزی» کافی است. بنا بر این، قشر وسیعی از خوانندگان فعالِ روزگار ما از خواندن بخش عمده‌ای از ادبیات کلاسیک فارسی بازمی‌مانند و این ادبیات به جای این که خوانده شود، همچنان موضوع پژوهش عده‌ای انگشت‌شمار از متخصصین خواهد بود.

شاید یکی از علل قهر بودن خواننده‌ی روزگار ما با متون کهن همین جدایی و جنبه‌ی صرفاً آموزشیِ تحمیل‌شده به این متون باشد. وقتی که فقط اساتید و پژوهشگران با متون کهن سر و کار داشته باشند و همان‌ها این متون را در دانشگاه‌ها و مدارس تدریس کنند و برگزیده‌هایی از این متون را به سلیقه‌ی خود برای خوانندگان متفطن به چاپ برسانند، هیچ خواننده‌ی آزاد و فارغ‌البالی تصوّر طبیعی و درستی از این متون نخواهد داشت. این

متون و حتّاً برگزیده‌های آموزشی گیرایی که از این متون به چاپ می‌رسد، صرفاً به درد کسانی می‌خورد که اهل تحقیق و تفحصند و یا می‌خواهند «چیزی یاد بگیرند».

اما می‌دانیم که ادبیات چیزی «یاد نمی‌دهد». ادبیات فراتر از این حرفهاست. هیچ‌کس نمی‌خواهد با خواندن رمان و داستان کوتاه چیزی یاد بگیرد. خواندن ادبیات تجربه‌ای است فراتر از آموختن، فراتر از تحقیق و تتبع و فراتر از وقت‌گذرانی. ادبیات حدود را درهم می‌شکند، نگاه تازه‌ی ما به جهان ابعاد گم‌شده و بکری را در برابر ما می‌گشاید. ادبیات حتّاً وسیله‌ی درهم‌شکستن حدود و قالب‌ها نیست. چیزی است فراتر از وسیله و فراتر از همه‌ی حدود که در هیچ قالبی نمی‌گنجد. ادبیات غایت آمال ماست، عالی‌ترین محصول زندگی و مقصود و معبود ماست. شاید با آموزش و پژوهش بتوانیم مقدّمات وصال به این معبود را فراهم کنیم. اما از مقدّمات که عبور می‌کنیم، می‌رسیم به آزادی. وقتی که از ادبیات حرف می‌زنیم، فقط با آزادی سر و کار داریم. مخاطب ادبیات یک خواننده‌ی آزاد است که با رغبت و شوق به سراغ کلام مکتوب می‌آید تا با آن جفت شود — بی هیچ واسطه‌ای — و متن هیچ‌گاه برای او تجلّی‌گاه آرا و عقاید انتزاعی و آموختنی‌ها نیست. او در درجه‌ی اوّل، می‌خواهد از خواندن متن لذّت ببرد.

بیایم برای اوّلین بار به متون کهن فارسی که ارزنده‌ترین میراث ادبی سرزمین ما به شمار می‌رود، چنان که هست، به عنوان ادبیات نگاه کنیم، نه به عنوان موضوع پژوهش. درجا زدن در حد پژوهش یعنی دست کم گرفتن و تحقیر کردن ادبیات. ادبیات را ابتدا باید خواند. مگر رمان و داستان کوتاه را اوّل نمی‌خوانیم تا بعد درباره‌اش حرف بزنیم و بنویسیم و بحث کنیم؟ تا به حال، درباره‌ی متون کهن فارسی فقط حرف زده‌ایم، نوشته‌ایم و بحث کرده‌ایم. چایهای خوب و معتبری که تا به حال از روی نسخه‌های خطی انجام شده زمینه‌های مناسبی برای بحث و تحقیق و احیاناً اظهار معلومات بوده، برای خواندن نبوده. و تا امروز، با وجود همه‌ی تلاش‌های مثبت و مفیدی که انجام گرفته، خوانندگان روزگار ما کماکان روی خوشی به ادبیات و متون کهن نشان نمی‌دهند و انس و الفتی با آن ندارند. گام اوّل برداشته شده: کار تصحیح نسخه‌های خطی و چاپ متون به همت اساتید و دانشمندان بزرگوارمان انجام گرفته و انجام می‌گیرد. و حالا باید گام دوم را برداشت. آشتی با ادبیات کهن. وقت آن رسیده است که این متون را از چارچوب تنگ آکادمی و آموزشی‌نگاه بیرون کشید و آنها را برای خواندن مهیا کرد.

عجائب‌المخلوقات و غرائب‌الموجودات یا عجایب‌نامه‌ی محمد ابن محمود همدانی یک قرن پیش‌تر از *عجائب‌المخلوقات* زکریای قزوینی نوشته شد، اما شهرت عالمگیر کتاب قزوینی کتاب همدانی را در حاله‌ی گم‌گامی فرو برد. همدانی این کتاب غریب را در نیمه‌ی دوم قرن ششم هجری نوشت و نشر او مثل نشر بسیاری از معاصرانش هنوز همان نشر ساده و بی‌تکلف قرن چهارم و پنجم هجری بود. این کتاب را خودش «جام گیتی‌نمای» می‌نامید و آینه‌ای می‌دانست که همه‌ی عجایب عالم را به خواننده نشان می‌دهد. *عجایب‌نامه آینه‌ای* است که اسکندر رومی به دست ما می‌دهد و همان جام گیتی‌نمای جمشید و کی خسرو است که ما را از احوال عالم یاخبر می‌سازد.

در مجموعه‌ی «سازخوانی متون» ویرایش‌های جدیدی از برجسته‌ترین آثار مشهور ادبیات کلاسیک فارسی عرضه می‌شود. تدوین مجدد متن، فصل‌بندی، پیراستن برخی فرعیات، بازآگراف‌بندی، نقطه‌گذاری، اعراب‌گذاری و به کار بردن یک رسم‌الخط یکدست، بدون هیچ دستکاری و دخالتی در سبک خود متن صورت می‌گیرد و تمامیت اثر محفوظ می‌ماند. ویرایش‌های جدید این مجموعه تلاشی است برای دست یافتن به صورت اصلی و جوهر خود متن.

مجموعه‌ی یاز خوانی متون

ترجمه‌ی تفسیر طبری - قصه‌ها

مقالات مولانا (فیه ما فیه)

مقالات شمس

تاریخ سیستان

سیرت رسول‌الله

✓ عجایب‌نامه

قصه‌های شیخ اشراق

تاریخ بیهقی

حیوانات را فقط با دوربین عکاسی شکار کنیم



ISBN: 978-964-305-156-3



9 789643 051563

۵۹۵۰۰ تومان